

بررسی جنبه‌های فرهنگی - قومی پایدارهای مقایسه‌ای (تشبیهات مثل‌گونه) توصیف‌کننده ظاهر در زبان‌های روسی و فارسی

شلیر ابراهیم شریفی^۱، علیرضا ولی‌پور^{۲*}

۱. دکتری آموزش زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استاد گروه زبان روسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۵/۲/۲۸

دریافت: ۹۴/۱۱/۱۱

چکیده

مطالعات زبان‌شناسی فرهنگی از اواخر قرن بیستم تاکنون به بررسی و تفسیر ارتباط متقابل زبان و فرهنگ و عناصر سازنده تصویر زبانی جهان پرداخته است. فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن از جمله عناصر مهم هویت ملی به شمار می‌آیند. یکی از عناصر مهم فرهنگ عامه، امثال هستند که کاربرد و گستردگی آن‌ها باعث شده است نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و شکل‌گیری تصویر زبانی جهان داشته باشند. هر زبان دارای تصویر جهانی خاص خود است که نتیجه انعکاس دانش و شناخت گویشوران آن زبان از جهان است. پایدارهای مقایسه‌ای یا همان تشبیهات مثل‌گونه، لایه خاصی از امثال هستند که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند؛ مبنای شکل‌گیری آن‌ها مقایسه است و مقایسه، جزو جهانی‌های ذهن واز اولین فعالیت‌های شناختی انسان به شمار می‌آید. پایدارهای مقایسه‌ای، آینه تمام‌نمای تصویر جهانی زبان و نگرش اقوام مختلف به جهان هستند؛ زیرا نسخه صیقل‌یافته سال‌ها تلاش همگانی مردم از درک جهان بوده و پایه منطقی استواری دارند که خاص گویشوران همان زبان است. مشخصه‌های نگاه‌های قومی به جهان در پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان یکی از عناصر زبانی، به‌ویژه هنگام مقایسه آن‌ها با زبان، دیدگاه و نگرش ملت دیگر بیش از پیش آشکار می‌شود. پژوهش حاضر با روش مقایسه‌ای - تحلیلی و روش آماری با بررسی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر انسان در زبان‌های روسی و فارسی به مقایسه و تحلیل تصویر جهانی زبانی گویشوران این زبان‌ها



پرداخته و نشان می‌دهد کدامین عناصر فرهنگی در شکل‌گیری آن‌ها دخیل هستند و چه میزان شباهت و تفاوت میان نگرش‌های فرهنگی و ملی این اقوام در پایدارهای مقایسه‌ای تجلی یافته است.

واژگان کلیدی: زبان و فرهنگ، مقایسه، پایدار مقایسه‌ای، تشبیهات مثل‌گونه، تصویر زبانی جهان.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، رویکرد جدیدی به نام رویکرد/نسان‌محور در یادگیری زبان شکل گرفته است که در آن به زبان، نه به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای ایستا، بلکه به‌عنوان ابزار گفت‌وگو، عضو جدانشدنی و حامل فرهنگ اقوام نگریسته می‌شود. از اواخر قرن بیستم زبان بیشتر به‌عنوان محصول فرهنگ و بخش مهم سازنده آن و عامل مهم شکل‌گیری کدهای فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است و زبان‌شناسی فرهنگی شاخه نسبتاً جدیدی از زبان‌شناسی است که «ارتباط متقابل زبان و فرهنگ را بررسی کرده و به تفسیر این رابطه می‌پردازد. موضوع آن فرهنگ مادی و معنوی و همه عواملی است که شکل‌دهنده و سازنده تصویر زبانی جهان^۱ هستند» (Алефиренко, 2010: 23). ماسلوا در رابطه با تصویر زبانی جهان می‌نویسد:

هر زبان به روش خاص خود جهان را تقسیم‌بندی می‌کند؛ به عبارت دیگر، دارای روش خاص خود برای شناخت جهان است. اینجاست که می‌توان گفت هر زبان دارای تصویر جهانی خاص خود است. تصویر زبانی جهان نوع رابطه انسان با جهان (طبیعت، حیوانات و خود انسان به‌عنوان عضوی از جهان) را شکل می‌دهد، هنجارهای رفتاری انسان در جهان و ارتباط او با جهان را مشخص می‌کند. هر زبان طبیعی، روش مشخصی از درک و سازماندهی و فهم جهان را منعکس می‌کند (Маслова, 2001: 64-65).

آلفیرنکو تصویر زبانی جهان را این‌طور تعریف می‌کند:

تصویر زبانی جهان عبارتست از مجموعه دانش‌های ساده و ابتدایی از جهان که در سطوح مختلف سیستم زبان (سطح واژگانی، سطح اصطلاحات، سطح دستوری) ثبت و حفظ شده است. این مجموعه دانش‌ها با درک ملی-زبانی از جهان ارتباط دارند (Алефиренко, 2010: 102).

هر زبان با وجود تصویر جهانی خاص خود یکی از عوامل اصلی انتقال طرز فکر^۲ و نگاه فرهنگی-ملی گویشوران خود در طول زمان و میان نسل‌های مختلف است در نتیجه با

بررسی تصویر جهانی زبان‌های مختلف می‌توان اطلاعات ارزشمندی در مورد نگاه گویشوران آن زبان‌ها به جهان به دست آورد. مشخصه نگاه‌های قومی به جهان به‌ویژه هنگام مقایسه آن با دیدگاه و نگرش یک ملت دیگر به یک پدیده مشابه، بیش از پیش آشکار می‌شود. به همین دلیل است که در حال حاضر مطالعات میان‌فرهنگی بین زبان‌های مختلف مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است.

یکی از عناصر مهم فرهنگ عامه، «امثال» هستند که کاربرد و گستردگی آن‌ها باعث شده است نقش مهمی در فرهنگ‌سازی داشته باشند و پایدارهای مقایسه‌ای به‌عنوان لایه خاصی از امثال که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته‌اند، آینه تمام‌نمای تصویر جهانی زبان و نگرش اقوام مختلف به جهان به شمار می‌آیند و چه‌بسا به گفته رویزنزون حتی بیشتر از سایر گونه‌های امثال/تفکر، نحوه زندگی و رنگ فرهنگی گویشوران خود را انعکاس می‌دهند (Ройзензон Л.И., 1967: 110). پژوهش مربوطه در پی آن است با بررسی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر انسان در زبان‌های روسی و فارسی به‌عنوان ابزارهای زبانی نشاندارشده فرهنگی به مقایسه و تحلیل فرهنگی معیارهای مقایسه‌ای این اقوام پردازد و نشان دهد چه میزان همبستگی فکری و فرهنگی میان آن‌ها وجود دارد. این پژوهش در چهارچوب تحقیقات زبان‌شناسی فرهنگی قرار گرفته و اولین گام در راستای مقایسه و بررسی پایدارهای مقایسه‌ای در دو زبان روسی و فارسی می‌باشد. روش تحقیق روش مقایسه‌ای-تحلیلی و روش آماری است. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که:

چه تفاوت‌هایی میان تصویر جهانی زبانی نهفته در پایدارهای مقایسه‌ای زبان‌های روسی و فارسی وجود دارد؟

و این فرضیه را مورد آزمون قرار می‌دهد که از آنجا که ایرانی‌ها و روس‌ها از نظر اعتقادی، نژادی و جغرافیای محل زندگی متفاوت هستند، پس در این حوزه باید اشتراکات فرهنگی به مراتب کمتر از تفاوت‌ها باشد.

از آنجا که شمار پایدارهای مقایسه‌ای، زیاد و حوزه‌های آن‌ها نیز متفاوت است، بنابراین تنها پایدارهای مقایسه‌ای که به توصیف ظاهر انسان می‌پردازند را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لیدووا در فرهنگ موضوعی پایدارهای مقایسه‌ای ظاهر انسان را به شانزده بخش (ریش/مو/سبیل، چشم، سر/کله، لب، شکم، دندان، پوست/حالت چهره، پا، دماغ، دست/انگشت، هیکل/تنه،



گوش، گردن، گونه، تصور کلی از ظاهر، پوشش ظاهری) تقسیم می‌کند. ما مبنا را این تقسیمات قرار می‌دهیم. تمام پایدارهای مقایسه‌ای روسی این پژوهش از این فرهنگ استخراج می‌شوند. برای استخراج پایدارهای مقایسه‌ای فارسی ابتدا به فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی رجوع کرده و تمام مواردی که با مدخل «مثل» شروع شده‌اند، بررسی و مواردی که در حوزه تقسیمات شانزده تایی لیدووا قرار گرفته‌اند، استخراج شده‌اند. چون این فرهنگ مشتمل بر مثلهایی هست که در گویش‌های مختلف ایرانی نیز کاربرد دارند، تنها مواردی برای بررسی نهایی انتخاب شده‌اند که در فرهنگ/مثال و حکم دهخدا درج شده‌اند. در ضمن باید اشاره کرد که فرهنگ لیدووا که مبنای گردآوری نمونه‌های روسی ما می‌باشد، فقط حاوی پایدارهای مقایسه‌ای است که در روسی معیار، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات در زمینه پایدارهای مقایسه‌ای در سه بخش تدوین فرهنگ‌ها و بررسی جنبه‌های مختلف پایدارهای مقایسه‌ای و تحقیقات مقابله‌ای بین زبان‌های مختلف صورت گرفته است. پایدارهای مقایسه‌ای در فرهنگ‌های تفسیری و فرهنگ‌های امثال زبان روسی منعکس شده‌اند و سال‌هاست که توجه فرهنگ‌نگاران روس را به خود جلب کرده‌اند و دستاورد آن تدوین فرهنگ بزرگ عبارات مقایسه‌ای موکینکو با بیش از ۴۵۰۰۰ عبارت پایدار مقایسه‌ای (2008)، پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی: فرهنگ کوچک موضوعی لیدووا با ۱۲۰۰ پایدار مقایسه‌ای (2011)، فرهنگ پایدارهای مقایسه‌ای (هم‌معنا- متضاد) آگولتسف با ۱۵۰۰ پایدار مقایسه‌ای (2001) و فرهنگ مقایسات و عبارات مقایسه‌ای در زبان روسی گورباچوویچ: مشتمل بر ۱۳۰۰ مدخل (2004) است.

بررسی جنبه‌های مختلف پایدارهای مقایسه‌ای توسط محققان زیادی انجام شده است از جمله «جایگاه پایدارهای مقایسه‌ای در سیستم امثال-ل.ای. رویزنزون، شوتوروا (1964 & 1968) تیخونف، کونگورف (1964)، ویژگی‌های ساختاری، معنایی و ترکیبی پایدارهای مقایسه‌ای- آنتونوا (1978)، لیدووا (1977)، پاولوا (1975)، ویژگی‌های استیلی پایدارهای مقایسه‌ای- برلیزون (1975 & 1973)، آگولتسف (۱۹۷۹)؛ تمایز پایدارهای مقایسه‌ای از ساختارهای مشابه دارای حرف ربط مقایسه‌ای- لیدووا (1976)، آشوروا (1970)، ویژگی‌های

شناختی پایدارهای مقایسه‌ای و نقش آن‌ها در ایجاد تصویر نمادین جهانی- لبدووا (1998)، ماسلوا (1997)، شملووا (1988). مطالعات مقابله‌ای از نظر ساختاری، بررسی ابعاد فرهنگی و بعد آموزشی پایدارهای مقایسه‌ای در مقایسه زبان روسی با زبان‌های مختلفی چون روسی- انگلیسی کونین (1969)، روسی-آلمانی کاولیووا (1976)، روسی- انگلیسی- فرانسه گوتمان، لیتوین، چرمیسینا (1970) و غیره (6-7: Лебедева, 1999).

سابقه تحقیق درباره پایدارهای مقایسه‌ای در زبان فارسی بسیار اندک است. از حیث فرهنگ‌نگاری در زبان فارسی پایدارهای مقایسه‌ای را فقط می‌توان در لابه‌لای فرهنگ‌های امثال در مدخل‌هایی که با ادات تشبیه شروع می‌شوند، جست‌وجو کرد. پایدارهای مقایسه‌ای در زبان فارسی تحت عنوان تشبیهات مثل‌گونه یا مثل‌گونه‌ها نام برده می‌شوند. این ساخت‌ها دسته خاص و متمایزی هستند که لایه‌ای از مثل‌ها به شمار می‌آیند و تمام ویژگی‌های امثال را دارا هستند. احمد ابریشمی در تقسیم‌بندی خود از مثل‌ها، «تشبیهات مثل‌گونه را دسته خاصی از امثال می‌داند که مبین صفات افراد و اشیاء هستند» (ابریشمی، ۱۳۷۶: ۱۳). ذوالفقاری در تعریف تشبیهات مثل‌گونه در فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی چنین می‌نویسد:

گاه در آغاز برخی مثل‌ها ادات تشبیه «مثل»، «مانند»، «چون»، «انگار»، «گویی» و ... قرار می‌گیرند که به این گونه مثل‌ها، مثل‌های تشبیهی می‌گویند و تعداد آن‌ها نیز بسیار زیاد است. این گونه مثل‌ها در حکم شبه‌جمله هستند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

و جایی دیگر از آن‌ها تحت عنوان مثل‌گونه‌ها یاد می‌کند: «مثل‌گونه شامل تشبیهات مثلی مبین صفات افراد و اشیاء است مانند: «مثل سگ حسن دله»، «مثل خرس»، «مثل گاو» و ...» (همو، ۱۳۹۴: ۹۱). در زبان فارسی امثال به دفعات و از جنبه‌های مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته‌اند اما تا آنجا که نویسندگان اطلاع دارند تشبیهات مثل‌گونه در زبان فارسی به‌طور مجزا مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته‌اند.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. اهمیت مقایسه در شناخت جهان و انعکاس فرهنگ و جایگاه پایدارهای

مقایسه‌ای

یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر، نیاز به کسب اطلاعات جدید و شناخت جهان پیرامون



است. انسان با حجم معینی از دانسته‌ها همواره به دنبال افزایش آن به کمک تحلیل وقایع جهان پیرامون است. وقایعی که برایش بدیهی می‌نماید را با آنچه به نظر ناشناخته می‌آید، مقایسه می‌کند و یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای فکر بشر همین یافتن ویژگی‌های مشترک میان اشیاء کاملاً متفاوتی است که هیچ رابطه مشترکی باهم ندارند. پاتبنیا رابطه شناخت و مقایسه را بسیار تنگاتنگ می‌داند و ادعا می‌کند: «پروسه شناخت دراصل همان پروسه مقایسه است» (Потебня, 1997: 76). لیدووا مقایسه را فرم احساسی انعکاس جهان واقعی در ذهن می‌داند و اشاره می‌کند: «در حالی که مقایسه می‌کنیم یعنی شباهت را در بخش‌هایی از اشیاء آشنا و ناآشنا برمی‌شمایم، همزمان هم به شناخت جهان پیرامون می‌پردازیم و هم آن‌ها را توصیف کرده، ارتباط خود با آن‌ها را نشان می‌دهیم و به ارزیابی آن‌ها نیز می‌پردازیم» (Лебедева, 2011: 3). به کمک مقایسه اشیاء، اشخاص و اتفاقات جهان خارج به‌خوبی قابل توصیف هستند. آن‌ها جایگزین جملات وصفی طولانی شده و داشتن فرم کوتاه و نمادین یکی از مشخصه‌های آن‌هاست. در جریان ارتباطات گفتاری مقایسه‌های نمادین بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند. هدف از به‌کارگیری آن‌ها بیان تصورات نسبت به ویژگی‌های مشخص یک شیء یا واقعه است.

مقایسات نمادین به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. مقایسات آزاد^۳ یا فردی-خلاقانه

۲. مقایسات پایدار^۴ یا عمومی-همگانی

مقایسات آزاد زیرمجموعه مقایسات ادبی به شمار می‌آیند؛ توسط نویسندگان ساخته شده و با هدف خلق تصاویر هنری مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مقابل این نوع مقایسات، پایدارهای مقایسه‌ای قرار دارند که قابلیت استفاده به‌عنوان ساخت‌های ازپیش‌آماده را داشته و جزو عناصر زبان به‌عنوان یک سیستم به شمار می‌آیند (Огольцев, 2001: 5). هر زبانی حاوی شمار قابل توجهی از پایدارهای مقایسه‌ای است که به‌گونه‌ای نمادین انسان، پیرامون او و مبنای تمام تصورات وی از زمان، مکان، شمار و ... را وصف می‌کنند. پایدارهای مقایسه‌ای توسط تمام گویشوران زبان مورد استفاده قرار می‌گیرند. مقایساتی که عناصر ساختاری آن‌ها نام اشیاء و مفاهیمی هستند که با زندگی روزمره و تجربیات روزانه انسان گره خورده‌اند، کاربرد همیشگی دارند. مبنای غالب مقایسات اسامی گیاهان، حیوانات، اشیاء و حوادث

طبیعی هستند. اما تمام مقایسات انجام‌شده توسط انسان در زبان ثبت نمی‌شوند. زبان تنها بخشی از شمار زیاد و متنوع ارتباطات مقایسه‌ای اشیاء و حوادث پیرامون که توسط افراد ایجاد شده‌اند را ثبت می‌کند. این ارتباطات مقایسه‌ای مورد بررسی و انتخاب قرار می‌گیرند و تنها آن‌هایی حفظ و ثبت می‌شوند که با رسوم و ویژگی‌های تاریخی و فرهنگی اقوام مرتبط هستند. به همین دلیل پایدارهای مقایسه‌ای رنگ ملی- قومی دارند (Огольцев, 2001: 5).

از آنجا که این ساخت‌ها جزو امثال به حساب می‌آیند پس تمام ویژگی‌های آن‌ها را نیز دارا می‌باشند. پایدارهای مقایسه‌ای یا همان تشبیهات مثل‌گونه موضوع مهمی برای فهم فرآیند درک انسان از جهان هستند و مقایسه آن‌ها در زبان‌های مختلف (در پژوهش مربوطه بین زبان‌های فارسی و روسی) اطلاعات زیادی از نگرش اقوام مختلف را آشکار می‌سازد.

از نظر ساختاری «پایدارهای مقایسه‌ای در زبان روسی در بیشتر موارد از فرمول منطقی C-A - مانند B تبعیت می‌کنند. A مشبه، C ویژگی مشترک یا وجه‌شبه و B مشبه‌به است که توسط حرف ربط *как* یا هم‌معناهای آن *точно*، *словно*، *будто* (به معنای مانند/ مثل) وارد فرمول مقایسه می‌شود:

Слёзы крупные как горох - قطرات اشک‌هایش مانند گردو درشت هستند.

C	B	A	A	C	B
---	---	---	---	---	---

Дождь льёт как из ведра - باران می‌بارد انگار از سطل (فرو می‌ریزد).

C	B	A	A	C	B
---	---	---	---	---	---

در زبان فارسی هم تشبیهات مثل‌گونه ساختار مشابهی دارند.

۳-۲. مقایسه پایدارهای مقایسه‌ای حوزه ظاهر انسان

در مقایسه پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر انسان مشاهده می‌شود که در برخی موارد نمادهای یکسانی در دو زبان برای مقایسه به کار رفته‌اند از جمله: موی سفید مثل برف- و در زبان روسی: *волосы белые как снег* سیاه مثل پر زاغ- و در زبان روسی: *черные как вороново крыло*، *спутанные как войлок*، چشمان گرد مثل جغد- و در زبان روسی: *глаза круглые как у совы*، باریک مانند قیطان- و در زبان روسی: *губы тонкие как ниточки* سیاه‌چرده مثل



سوسک- و در زبان روسی: *кожа черная как жук* لاغر و استخوانی مثل ترکه- و در زبان روسی: *стройный как лозинка*, گردن دراز مثل غاز- و در زبان روسی: *длинная как у гусы* ریش انبوه مثل جاروی فراشی- و در زبان روسی: *большая как веник* وجود چنین موارد مشترکی نشان‌دهندهٔ بینش مشترک اقوام ایرانی و روس است. هرچه دو ملت اشتراکات فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی بیشتری با هم داشته باشند، تصویر زبانی جهانی آن‌ها به هم نزدیک‌تر و متعاقباً شمار پایدارهای مقایسه‌ای مشترک در میانشان بیشتر خواهد بود. بررسی نمادهای به‌کاررفته در این پایدارهای مقایسه‌ای مشترک نشان می‌دهد نمادها به سه حوزه تعلق دارند: اسامی حیوانات (زاغ، جغد، سوسک، غاز)، اسامی اشیاء (نمد، قیطان، جارو) و اسامی طبیعت بیجان (برف، ترکه). می‌بینیم که هیچ‌یک از این نمادها رنگ قومی خاصی ندارند و ویژگی‌های انتخاب‌شده در آن‌ها که مبنای مقایسه قرار گرفته است، گویای طرز فکر یا برداشت خاصی از جهان نیست.

برخی ویژگی‌ها فقط در یکی از این زبان‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند و زبان دیگر فاقد مقایسه‌ای در آن حوزه می‌باشد. از جمله: صورت پر چین و چروک *انسان مسن در زبان روسی با نماد* *как печеное яблоко* (مثل سیب پخته)، *چهره غیر قابل نفوذ - как маска* (مثل ماسک)، *کف دست پهن و بزرگ - как лопата* (مثل بیل)، *گوش بزرگ - как вареники, локаторы и лопухи* (مثل رادار، پیراشکی و گیاه بابا آدم) مقایسه و توصیف شده‌اند و در زبان فارسی پایدارهای مقایسه‌ای نظیر *دهان فرارخ مثل گاله، دهان کوچک مثل غنچه، ناخن بلند مثل کج‌بیل، گاهی چاق گاهی لاغر مثل مشک سقا* به کار می‌روند. وجود پایدارهای مقایسه‌ای از این دست که فقط در یک زبان نمود دارند، گواه بینش متفاوت گویشوران آن زبان به مواردی در جهان خارج است که برای آن‌ها اهمیت داشته، ولی برای ملت دیگر جالب توجه نبوده است. وجود نماد مشک سقا کاملاً با سبک زندگی قدیمی ایرانی ارتباط دارد. این‌که چرا مثلاً روس‌ها کف دست را به بیل تشبیه کرده و ایرانی‌ها ناخن را به آن و یا این‌که چرا اندازهٔ گوش برای روس‌ها حائز اهمیت بوده و اندازهٔ دهان برای ایرانی‌ها، را می‌توان تا حدی با خصایص نژادی و اندازهٔ جثه مرتبط دانست (روس‌ها نسبت به ایرانی‌ها هیکل درشت‌تری دارند)؛ اما تفسیر دقیق این موارد از مسائلی است که در حوزهٔ مطالعات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان قرار می‌گیرد.

ارزیابی مثبت ظاهر زنان در میان پایدارهای مقایسه‌ای دو زبان نمود دارد. از جمله در زبان روسی زیبایی زنانه با نمادهای *как королева* (مثل شاهزاده خانم‌ها)، *как кукла* (مثل عروسک)، *как майский день* (مثل روز ماه می) و *как маков цвет* (مثل گل شقایق) و در زبان فارسی با نمادهای مثل آفتاب، مثل ماه، مثل بت قندهار، مثل بت نوشاد، مثل مرال، مثل قرص ماه، مثل فرنگی‌ها توصیف می‌شود. در زبان روسی اندام لاغر و زیبایی زنانه با کمر باریک تداعی‌گر نماد *оса* - زنبور (*тонкая талия как у осы*) است و در زبان فارسی تنگ طلا و اگر به آن خصیصه سفیدی پوست هم اضافه شود، در زبان فارسی نماد مثل تُنگ بلور استفاده می‌شود. می‌بینیم که نمادهای وصف زیبایی موجود در پایدارهای مقایسه‌ای این دسته، در انتخاب نماد بیشتر نظر به طبیعت دارند. وجود نماد بت به‌عنوان معیار سنجش زیبایی نیز می‌تواند با تاریخ ایران باستان و بت‌پرستی در ارتباط باشد. نماد مثل فرنگی‌ها به ویژگی‌های نژادی مربوط است و کاملاً رنگ ملی دارد. فرنگی یعنی کسی که موهای بور، پوست سفید و چشمان روشن دارد و ایرانی‌ها اغلب دارای این ویژگی‌ها نیستند، بنابراین این کلمه در گذر زمان به‌عنوان نماد و معیار زیبایی انتخاب شده است.

زیبایی مردانه در زبان روسی با نماد *как бог* (مثل خدا) و در زبان فارسی با نماد مثل یوسف بیان می‌شود. علاوه بر این، هیکل تنومند مردانه با نمادهای *как слон* (مثل فیل)، *как шкаф* (مثل کمد) و در زبان فارسی - مثل دیو سپید، مثل رستم، مثل رخس به تصویر کشیده می‌شود. مردان دارای قامت زیبا و کشیده در زبان روسی با نماد *как кедр* (مثل درخت ارز) و *как тополь* (مثل سپیدار) وصف می‌شوند. وجود دو نماد مثل خدا و مثل یوسف کاملاً با باورهای مذهبی روس‌ها و ایرانی‌ها در ارتباط است. در آیین اعتقادی اسلام تصویرگری برای خدا، پیامبر و ائمه امری مذموم است و هرچند خدا را زیبا و منشأ خلق زیبایی به شمار می‌آورند، ولی تصور کردن زیبایی فیزیکی برای خداوند گناه محسوب می‌شود. از سوی دیگر اعتقاد به یوسف نبی و وصف زیبایی ایشان نیز با اعتقادات اسلامی پیوند دارد. نمادهای مثل دیو سپید، مثل رستم، مثل رخس هر سه به اسطوره‌های ادبیات داستانی ایران زمین مربوط هستند و وجود دو نماد مثل درخت ارز و مثل سپیدار هم کاملاً با ویژگی‌های طبیعی محیط زندگی روس‌ها و حضور غالب این درختان پیوند دارد.

چهره لطیف و زیبا در زبان روسی با نماد *как кровь с молоком* (مثل خون و شیر



به هم آمیخته)، سرخ و زیبا *как девушка* (مانند دخترها)، *как яблоко* (مثل سیب) و در زبان فارسی با نمادهای مثل برف و خون به هم آمیخته، مثل برگ گل، مثل هلو و صف می‌شود. نمادهای این دسته بیشتر از طبیعت الهام گرفته‌اند.

ارزیابی ویژگی‌های منفی ظاهر زنان نیز توسط پایدارهای مقایسه‌ای مختلفی انجام می‌شود از جمله در زبان روسی: چاق و بدهیکل - *как квашня* (مثل تغار خمیر)، زشت و وحشتناک - *как ведьма* (مثل جادوگر)، پوست و استخوان - *как доска* (مثل تخته) و *как дранная кошка* (مثل گربه ولگرد)، گوژپشت - *как столетняя старуха* (مثل پیرزن صدساله) و در زبان فارسی: چاق و شکم‌گنده مثل خاله‌خمره، با چهره گوشتی مثل ماماخمیره، مثل خاله‌خمیره، چاق و لباس زیادپوشیده مثل مثل خاله‌خرسه، آرایش جیغ و زننده‌کرده مثل آتش‌افروز، مثل انتر، مثل توگودی‌ها، نمادهای به کاررفته در این دسته بیشتر با ادبیات داستانی پیوند دارند. جادوگرها در ادبیات داستانی غالب ملل، ظاهری زشت و وحشتناک دارند و اینجا به عنوان نماد مبنای تولید یک پایدار مقایسه‌ای در زبان روسی قرار گرفته است. خاله‌خرسه، خاله‌خمره، ماماخمیره و خاله‌خمیره شخصیت‌های فلکلوریک ادبیات داستانی زبان فارسی هستند.

در زبان روسی پایدار مقایسه‌ای وجود ندارد که به توصیف آرایش صورت پرداخته باشد. وجود نمادهایی که آرایش تند را به گونه‌ای منفی وصف کرده‌اند (آتش‌افروز، انتر، توگودی) در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی می‌تواند نشان‌دهنده ارزش‌های فرهنگی اخلاق اجتماعی ایرانی‌ها باشد. در فرهنگ اسلامی-ایرانی پوشیدگی و سادگی ظاهری ملاکی ارزشمند و پسندیده است؛ پس داشتن آرایش و به ویژه آرایش غلیظ امری مذموم است و اهمیت این مسئله باعث ایجاد پایدارهای مقایسه‌ای از این دست شده است.

مرد دارای ظاهر زشت در زبان روسی با پایدار مقایسه‌ای *некрасивый, страшный* (زشت و وحشتناک مثل گناه مرگ‌آور) توصیف می‌شود. در زبان فارسی نماد خاصی که منحصر به توصیف ظاهر زشت مردانه باشد، در منابع مورد بررسی وجود ندارد؛ اما نمادهای مثل میمون، مثل نسناس برای توصیف زشتی به کار می‌روند و در رابطه با هر دو جنس به کار می‌روند. توصیف زشتی با گناه در زبان روسی سنجش یک واقعه عینی با یک مفهوم و تصویر ذهنی است (همانند زیبایی ظاهری خداوند)، اما نمادهای

به‌کاررفته در زبان فارسی عینی و ملموسند.

لاغری از ویژگی‌های دیگری است که در هر دو زبان، شماری از پایدارهای مقایسه‌ای به آن تخصیص یافته‌اند. در زبان روسی برای توصیف لاغری هر دو جنس زیستی از نمادهای *как тростник* (مثل گیاه نی قلم)، *как глист* (مثل کرم معده)، *как палка* (مثل تخته‌چوب)، *как епичка* (مثل کبریت)، *как вобла* (مثل کلمه ماهی)، *как мумия* (مثل مومیایی)، *как скелет* (مثل اسکلت)، لاغری زنان با نمادهای منحصر *как лозинка* (مثل ساقه علف)، *как былинка* (مثل ترکه)، *как девочка* (مثل دخترچه‌ها) و لاغری مردان *как хлыст* (مثل شلاق)، *как хвощ* (مثل گیاه دم‌اسبی)، ^۱ *как Кощей* (مثل کاشا) استفاده می‌شود.

در زبان فارسی نمادهای مثل چوب خشک، مثل اسکلت، مثل دوک، مثل عنکبوت، مثل غاغاله خشکه، مثل ملخ، مثل نی، مثل کرم معده، لاغر و نزار مثل تابوت خشکه، مثل دوک سیاه برای توصیف لاغری هر دو جنس به کار می‌روند. در کل، ویژگی لاغری در این مقایسات، همزمان این مفهوم را که لاغری وضعیت نامطلوب و مرتبط با مریضی است، القا می‌کند. نماد *Кощей* / کاشا در زبان روسی به ادبیات فلکلوریک اسلاوی مربوط است و کاملاً رنگ ملی دارد.

چاقی هم در پایدارهای مقایسه‌ای با نمادهای خاصی همراه است. در زبان روسی زن چاق با نماد *как квашня* (مثل تغار خمیر) و مرد چاق با نماد *как боров* (مثل خوک نر) و هر دو جنس با نمادهای *как бочка* (مثل بشکه)، *как свинья* (مثل خوک)، چاق کوتاه‌قد-*как колобок* (مثل قل‌قلی)، *как шар* (مثل گُرّه) و در زبان فارسی توصیف چاقی هر دو جنس به کمک نمادهای مثل غول، مثل غول بی‌شاخ و دم، مثل بام غلتان، مثل خرس خوانسار، مثل کلم، مثل گلوله توپ، مثل توپ بیان می‌شود. در میان این نمادها *колобок* / قل‌قلی از شخصیت‌های داستانی ادبیات کودکان در زبان روسی و نمادهای *غول*، *غول بی‌شاخ و دم* از شخصیت‌های داستانی و خیالی در ادبیات فارسی هستند. نماد *بام غلتان* نیز جلوه‌هایی از سبک زندگی دیرین و اقلیم ایران را متجلی می‌کند (استفاده از گل به‌عنوان مصالح ساختمانی بومی ایران و وسیله‌ای که برای هموار کردن بام‌های گلی استفاده می‌شده است).

توصیف قد انسان از ویژگی‌هایی است که در پایدارهای مقایسه‌ای منعکس شده است. روس‌ها شخصی که دارای قد بسیار بلندی است را با نمادهای *как коломенская верста* (مثل ورست کالومنسکی)^۲، *как жираф* (مثل زرافه)، *как эсмеральда* (مثل تیر)، *как*



каланча (مثل برج)، как шест (مثل نیزه) بیان می‌کنند. همین مفهوم در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی با نمادهای مثل دیلاغ، مثل علم یزید، مثل عوج بن عنق، مثل قایق، مثل نردبان دزدها، مثل نردبان، مثل ماسوره، مثل تار ریسمان، مثل زینب غازچران (فقط برای زنان) بیان می‌شود. البته تمام این نمادها بلندی بیش از حد قد را به‌عنوان یک خصیصه منفی نام می‌برند و در مفهوم آن‌ها خصیصه لاغری نیز مستتر است. البته در زبان فارسی نوعی پایدارهای مقایسه‌ای نیز وجود دارند که بلندی قد را به‌عنوان یک ویژگی ظاهری مثبت ارزیابی می‌کنند از جمله نمادهای مثل سرو، مثل سرو ناز، مثل شاخ شمشاد، مثل صنوبر، مثل عرعر. همچنین در زبان فارسی قد کوتاه به‌عنوان یک ویژگی منفی با نماد مثل گورزها و ریز جثه بودن با نمادهای مثل شاه موشان، مثل گنجشک بیان می‌شود. در این موارد در زبان روسی نمادی در فرهنگ لیدووا وجود ندارد. در میان نمادهای این دسته коломенская верста / ورست کالومنسکی، دیلاغ، علم یزید، عوج بن عنق و زینب غازچران کاملاً رنگ قومی دارند.

سلامت و بیماری که در ظاهر انسان نمود داشته باشد، در پایدارهای مقایسه‌ای به گونه‌های مختلفی متجلی شده است. از جمله بیشتر آن‌ها با رنگ صورت در ارتباط هستند مثل: سفید و رنگ‌پریده - как воск (مثل موم)، как тень (مثل سایه)، زرد - как (مثل زعفران)، как лимон (مثل لیمو)، как шафран (مثل زعفران)، как пепел (مثل خاکستر).

در زبان فارسی نیز نمادهای زرد و مریض مثل به پخته، بدن سرخ‌شده از مریضی/از حصبه مثل شله، مثل آتش سرخ حصار، بنفش از خون‌مردگی مثل بادمجان، سفید و رنگ‌پریده مثل گچ به کار می‌روند. علاوه بر این در زبان روسی پایدارهای مقایسه‌ای وجود دارند که در آن‌ها چهره انسان مریض با پرندگان مقایسه شده است: нахохлится как птица, как воробей, как ястреб (پر راست کردن مثل پرنده، گنجشک، قرقی).

در مورد سایر اندام‌های مریض بدن نیز نمادهایی وجود دارند: دست‌های بی‌حس - руки вяло (انگار مال خودت نیستند)، دست‌های باریک - как палки (مثل تخته)، как спички (مثل چوب کبریت)، как соломинки (مثل کاه)، پاهای ضعیف و بی‌رمق - как чужие (مثل این‌که مال خودت نیستند)، как деревянные (انگار چوبی هستند)، как

приросли к земле (انگار به زمین جوش خورده‌اند)، как ватные (انگار از پنبه درست شده‌اند). رنگ و روی چهره می‌تواند نشانه سلامت نیز باشد. در زبان روسی نماد как помидор (مثل گوجه‌فرنگی)، как кирпич (مثل آجر) و как яблоко (مثل سیب) نمادهایی هستند که توصیف‌گر رنگ چهره شخص سالم هستند.

رنگ صورت همچنین می‌تواند بیانگر تغییرات روحی افراد نیز باشد؛ چهره‌ای که به دلیل گرما، خجالت و غیره رنگش قرمز شده باشد، در زبان روسی با نمادهای как жар (مثل آتش)، как варёный рак (مثل خرچنگ پخته)، как кумач (مثل قماش سرخ)، как маков цвет (مثل گل شقایق)، как медный самовар (مثل سماور مسی)، как морковь (مثل هویج)، как пион (مثل گل اشرفی) و در زبان فارسی - سرخ مثل لبو، مثل چغندر، مثل اطلس، سیاه از شدت خشم مثل مرکب توصیف می‌شود. کسی که به خاطر ترس، نگرانی و غیره دچار رنگ‌پریدگی شده باشد، در زبان روسی با نمادهای как бумага (مثل کاغذ)، как мел (مثل گچ)، как мертвец (مثل مرده)، как мука (مثل آرد)، как платок (مثل دستمال)، как полотно (مثل کتان)، как смерть (مثل مرگ)، как стена (مثل دیوار) و در زبان فارسی - رنگ‌پریده از ترس مثل ماست، مثل مهتاب توصیف می‌شود. در مورد تغییر رنگ اندام‌های دیگر بدن هم پایدارهای مقایسه‌ای وجود دارند؛ برای مثال در زبان روسی پایدار مقایسه‌ای چشم قرمز - как у кролика (مثل خرگوش) به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل بی‌خوابی یا مریضی، گریه و غیره رنگ چشمش قرمز شده است. در زبان فارسی این مفهوم با نماد مثل کاسه خون بیان می‌شود. همچنین در زبان روسی دست و پای که به دلیل سرما سرخ شده باشند را با نماد как у гуси (مثل دست و پای غاز) توصیف می‌کنند.

اندام‌های مختلف بدن هم هریک با نماد خاص خود در پایدارهای مقایسه‌ای نمود دارند و شمار قابل توجهی از پایدارهای مقایسه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند؛ برای مثال در زبان روسی چشمان آبی‌رنگ با نماد как васильки (مثل گل گندم) و как небо (مثل آسمان) و در زبان فارسی با نماد مثل کجی آبی، در روسی موی بلند با نماد как у русалки (مثل عروس دریایی) و در فارسی - مثل گلابتون، مثل خوشه انگور، مثل کمند، در روسی شکم بزرگ با نماد как пивной котел (مثل دیگ آبجو) و در فارسی - مثل خمره، مثل کربلایی



خیک ممد، مثل طبل، مثل خیک.

بیشتر پایدارهای مقایسه‌ای موجود در دو زبان نشان‌دهنده توصیف اعضای بدن از نظرگاه‌های متفاوتی هستند؛ برای مثال در زبان روسی برای بیان چشم درخشان نماد *чистые как вода* (مثل آب زلال) وجود دارد و در فارسی برای بیان زیبایی و کشیدگی چشم نمادهایی مثل *بادام*، مثل چشم *آهو*. در نمونه‌های روسی فقط به توصیف اندازه لب پرداخته شده است: *قلوه‌ای - как у негра* (مثل سیاهپوست‌ها) و *باریک - как ниточки* (مثل قیطان) و در نمونه‌های زبان فارسی علاوه بر اندازه، نمادهای زیادی برای توصیف رنگ قرمز لب وجود دارد: *مثل انار*، *مثل عقیق*، *مثل شنگرف*، *مثل عقیق یمن*، *مثل لعل*، *مثل یاقوت*. روس‌ها چشمان ریز را فقط با نماد *как щели* (مثل شکاف) توصیف می‌کنند؛ ولی در زبان فارسی برای این مفهوم نمادهایی مثل *انچلک*، *مثل تخم خربزه*، *مثل چشم ترکان*، *مثل چشم مور*، *مثل سوزن*، *مثل شاه‌دانه*، *مثل عدس*، *مثل نخودچی* وجود دارد. روس‌ها برای توصیف گونه دو نماد *چاق - как у хомяка* (مثل همستر) و *آویزان - как у бульдога* (مثل سگ بولدوگ) دارند و ایرانی‌ها - گونه پرگوش *مثل ترکمن‌ها*، *سرخ مثل انار*، *مثل سیب سرخ*، *مثل گل سرخ*، *مثل لاله* و غیره.

دسته‌ای از پایدارهای مقایسه‌ای نیز توصیف‌گر وضعیت پوششی افراد هستند. در پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی زنانی که پوشش زیبا و آراسته داشته باشند، با نماد *как королева* (مثل شاهزاده خانم‌ها)، *как кукла* (مثل عروسک)، *как принцесса* (مثل پرنسس) و مردان نیز با نمادهای *как жених* (مثل دامادها)، *как картинка* (مثل تابلو نقاشی)، *как на свадьбу* (انگار عروسی می‌رود) و *как под венец* (انگار روی سرش تاج گذاشته‌اند) مقایسه می‌شوند.

برای مقایسه آراستگی پوششی در زبان فارسی از نمادهای *مثل آقاها*، *مثل دسته گل* و *مثل پرگار* استفاده می‌شود. البته عبارت *رخت پُلوخوری* پوشیده نیز به این معنا است؛ ولی به دلیل نداشتن حرف ربط مقایسه‌ای در فرهنگ‌های مورد بررسی، جزو پایدارهای مقایسه‌ای به شمار نیامده است. لباس زشت و گشاد و نامناسب در پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی با نمادهای *как чуело* (مثل مترسک)، *как мешок* (مثل گونی)، *как пугало огородное* (مثل مترسک سر خرمن)، *как на шесте* (انگار به نیزه کشیده شده است)، *как на вешалке*

(انگار روی چوبلباسی آویزان شده)، *как нищий* (مثل گداها)، *как божья* (مثل ولگردها)، *как коровье седло* (مثل گاوی که زین شده است)، چروک – *как жёванный* (انگار جویده شده) و آجق و آجق – *как попухай* (مثل طوطی) مقایسه شده است. در زبان فارسی پایدارهای مقایسه‌ای: مثل امامزاده جل‌بندی، بدلباس مثل جل‌ظرف‌شویی، گشاد و زشت مثل پیراهن عمر، مثل پالان، مثل جان‌خانی؛ رنگارنگ مثل آستین رنگ‌رها، مثل تخت بزازان؛ لباس کوتاه و غیر معمول مثل رقاص‌ها، مثل چلبند؛ لباس با رنگ نامناسب مثل دهاتی‌ها، مثل جوکی‌ها؛ کثیف مثل دبه روغن چراغ، مثل شاگردآشپزها، مثل قاب دستمال، مثل تولنگی‌ها، مثل شرابی‌ها، مثل مالک دوزخ و چروک، انگار از دهان گاو بیرون آمده است، به کار می‌روند. در میان این نمادها، پیراهن عمر با یک داستان تاریخی – مذهبی و امامزاده جل‌بندی با یک باور مذهبی و رفتار فرهنگی پیوند دارند. در میان نمادهای زبان فارسی در این حوزه ارتباط نماد با افراد دارای مشاغل خاص، پررنگ‌تر از سایر حوزه‌هاست.

۳-۳. بررسی توزیع پایدارهای مقایسه‌ای با توجه به اجزای ظاهری بدن

از نظر تعداد در منابع مورد بررسی در هر بخش نسبت پایدارهای مقایسه‌ای بدین گونه بوده است: ریش، مو، سبیل (۲۷ نمونه روسی و ۲۳ نمونه فارسی)، چشم (۲۱ نمونه روسی و ۱۹ نمونه فارسی)، سر، کله (۶ نمونه روسی و ۴ نمونه فارسی)، لب (۲ نمونه روسی و ۱۲ نمونه فارسی)، شکم (۱ نمونه روسی و ۶ نمونه فارسی)، دندان (۳ نمونه روسی و ۴ نمونه فارسی)، پوست، حالت چهره (۵۳ نمونه روسی و ۲۸ نمونه فارسی)، پا (۱۰ نمونه روسی و ۱ نمونه فارسی)، دماغ (۴ نمونه روسی و ۳ نمونه فارسی)، دست، انگشت (۱۰ نمونه روسی و ۵ نمونه فارسی)، هیكل، تنه (۳۵ نمونه روسی و نمونه فارسی ۶۱)، گوش (۳ نمونه روسی، بدون نمونه فارسی)، گردن (۲ نمونه روسی و ۳ نمونه فارسی)، گونه (۲ نمونه روسی و ۵ نمونه فارسی)، تصور کلی از ظاهر (۱۳ نمونه روسی و ۱۹ نمونه فارسی)، پوشش (۱۸ نمونه روسی و ۲۲ نمونه فارسی). در این پژوهش ۴۲۷ پایدار مقایسه‌ای (۲۱۰ ترکیب از زبان روسی و ۲۱۷ ترکیب از زبان فارسی) مورد بررسی قرار گرفتند. نحوه توزیع این پایدار مقایسه‌ای به شرح زیر می‌باشد:



جدول ۱ توزیع پایدارهای مقایسه‌ای با توجه به اجزای ظاهری بدن

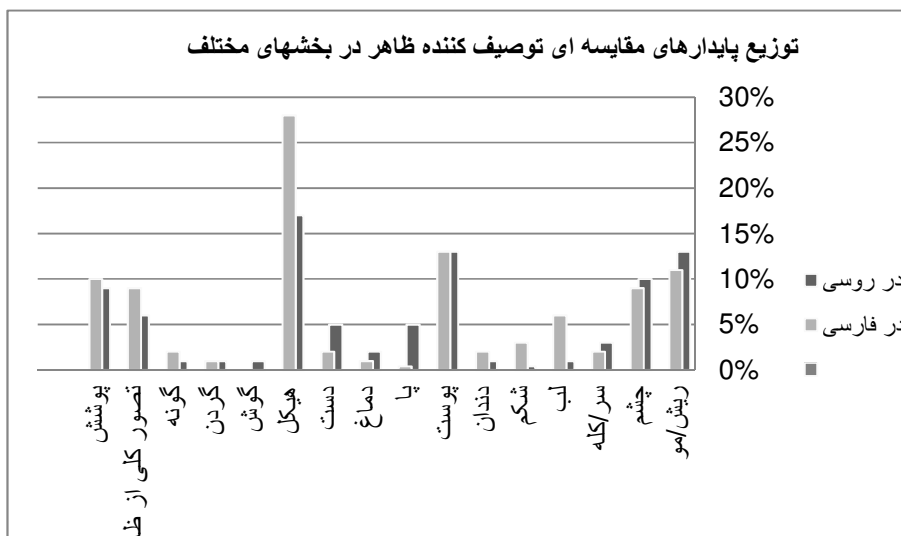
Table1. Distribution of comparative stables based on body members

نسبت پایدارهای مقایسه‌ای فارسی به کل نمونه‌های فارسی	نسبت پایدارهای مقایسه‌ای روسی به کل نمونه‌های روسی	نسبت پایدارهای مقایسه‌ای حوزه مربوطه به کل نمونه‌ها	نام حوزه مورد بررسی
۱۱٪	۱۳٪	۱۲٪	ریش / مو
۹٪	۱۰٪	۹٪	چشم
۲٪	۳٪	۲٪	سر / کله
۶٪	۱٪	۳٪	لب
۳٪	۰.۴٪	۲٪	شکم
۲٪	۱٪	۲٪	دندان
۱۳٪	۱۳٪	۱۹٪	پوست
نسبت پایدارهای مقایسه‌ای فارسی به کل نمونه‌های فارسی	نسبت پایدارهای مقایسه‌ای روسی به کل نمونه‌های روسی	نسبت پایدارهای مقایسه‌ای حوزه مربوطه به کل نمونه‌ها	نام حوزه مورد بررسی
۰.۴٪	۵٪	۳٪	پا
۱٪	۲٪	۲٪	دماغ
۲٪	۵٪	۴٪	دست
۲۸٪	۱۷٪	۲۲٪	هیکل
۰	۱٪	۱٪	گوش
۱٪	۱٪	۱٪	گردن
۲٪	۱٪	۲٪	گونه
۹٪	۶٪	۷٪	تصور کلی از ظاهر
۱۰٪	۹٪	۹٪	پوشش

۴. نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل مقابله‌ای و فرهنگی پایدارهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر در زبان‌های روسی و فارسی به‌عنوان گامی آغازین در پژوهش‌های مقابله‌ای این حوزه نشان می‌دهد بیشترین تعداد مقایسات مربوط به توصیف هیکل (۲۲٪) و کمترین آن‌ها مربوط به توصیف

توزیع بایدارهای مقایسه ای توصیف کننده ظاهر در بخشهای مختلف



نمودار ۱. توزیع پایداریهای مقایسه‌ای توصیف‌کننده ظاهر در بخشهای مختلف

۱۴۳



غیره)، شخصیت‌های فلکلوریک ادبیات اسطوره‌ای و داستانی (مثل دیو سپید، غول بی‌شاخ و دُم، مثل رستم، مثل رخس، как ведьма / مثل جادوگرها، Кощей / کاشا، как колобок / مثل قل‌قلی، مثل خاله‌خرسه، خاله‌خمیره و غیره)، اقلیم جغرافیایی و ابزارهای زندگی (как кедр / مثل درخت ارز، как тополь / مثل سپیدار، مثل سرو، مثل بام‌غلتان، مثل مشک سقا، как коломенская верста / مثل ورست کالومنسکی، как пивной / مثل دیگ آبجو) بسیار پررنگ است.

در نمونه‌های مورد بررسی، تعداد نمادهای مرتبط با باورهای مذهبی در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی بیشتر از زبان روسی است و در زبان روسی استفاده از حیوانات به‌عنوان نماد بیشتر از پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی است. در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی بیشتر به مقایسه جزئیات چهره پرداخته شده است (وجود نمادهای متنوع برای توصیف سرخی لب، کشیدگی چشم و ریزی چشم و اندازه دهان)، در مقابل حالت و احساس مریضی در چهره و اندام‌های بدن نمود بیشتری در پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی داشته است. در تعداد بیشتری از پایدارهای مقایسه‌ای زبان روسی، تفکیک جنسیتی در کاربرد نمادها نمود دارد و این مسئله، به‌جز موارد اندکی، در پایدارهای مقایسه‌ای زبان فارسی مشاهده نمی‌شود.

۵. پی‌نوشت‌ها

1. языковая картина мира – language's picture of the world
2. менталитет-mentality
3. свободные сравнения- free comparison
4. устойчивые сравнения- stable comparison
5. образ-symbol
۶. کاشا نمیر: کاشا (از ریشهсть кость به معنای استخوان و معنای اولیه آن لاغر است)، شخصیت داستان‌ها و ادبیات فلکلور (به‌ویژه قصه‌های جادوگران) اسلاو است.
۷. واحد اندازه‌گیری طول که در روزگار قدیم در روسیه مورد استفاده قرار می‌گرفته و معادل ۱.۸۰ کیلومتر است.

۶. منابع

- ابریشمی، احمد (۱۳۷۶). *مثل‌شناسی و مثل‌نگاری*. تهران: زیور.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم*. ج ۶. تهران: سپهر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی*. تهران: علم.
- ————— (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی ساخت‌های قالبی در زبان عامه». دوماهنامه *جستارهای زبانی*. د ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵). صص ۶۹-۹۸.
- Алефиренко Н.Ф. (2010). Лингвокультурология. Ценностно-смысловое пространство языка: учебное пособие. Москва: Флинта.
- Горбачевич К.С. (2004). Словарь сравнений и сравнительных оборотов в русском языке: около 1300 словарных статей. Москва: ООО «Издательство АСТ»: ООО «Издательство Астрель»: ЗАО НПП «Ермак».
- Лебедева Л.А. (2011). Устойчивые сравнения русского языка: краткий тематический словарь. Москва: Флинта.
- Лебедева Л.А. (1999). Устойчивые сравнения русского языка во фразеологии и фразеографии, автореф. дис. кан. фил. наук: 10.02.01, Краснодар. 40с.
- Маслова В.А. (2001). Лингвокультурология: Учеб. пособие для студ. высш. учеб. Заведений. Москва: Академия.
- Мокиенко В.М., Никитина Т.Г. (2008). Большой словарь русских народных сравнений. Москва: ЗАО <ОЛМА Медиа Групп>.
- Огольцев В.М. (2001). Словарь устойчивых сравнений русского языка (синонимо-антонимический). Москва: Астрель.
- Потенция А.А. (1997). Из лекций по теории словесности. Басня. Пословица. Поговорка. Лекция восьмая. Москва: Русская словесность: Антология. С.76.
- Ройзензон Л.И., Ройзензон С.И. Некоторые соображения о сравнительном



изучении фразеологии (на материале устойчивых компаративных оборотов восточных языков) // Вопросы фразеологии и грамматического строя языков. Ташкент, 1967. С. 110- 114.

References:

- Abrishami A. (1376). *The proverb's Identification and Registration*. Tehran: Ziwar [In Persian].
- Alefirenko N. F. (2010). *Cultural Linguistics. Axiological Space of Language: A Textbook*. Moscow: Flint. [In Russian].
- Dekhoda A.A. (1363). *The Adage*. 6- Edition. Tehran: Sepehr. [In Persian]
- Gorbachevich K.S. (2004). *Dictionary of Compare and Comparative Units in the Russian Language: About 1300 Phrase*. Moscow: OOO "Publisher AST": OOO "Publishing house Astrel": ZAO NPP "Ermak".[In Russian].
- Lebedeva, L.A. (1999). *Stable Comparison of the Russian Language in Phraseology and Phraseography*, author. dis. Kan. Phil. Sciences: 10.02.01 Krasnodar. 40C. [In Russian].
- Lebedeva, L.A. (2011). *Stable Comparison of the Russian Language: A Brief Thematic Dictionary*. Moscow: Flint. [In Russian].
- Maslova V.A. (2001). *Cultural Linguistics: A Textbook for Stud*. Moscow: Academy. [In Russian].
- Mokienko V.M. & T. G. Nikitina (2008). *A Large Dictionary of Russian Folk Comparisons*. Moscow: ZAO <OLMA Media Group>.[In Russian].
- Potebnya A.A. (1997). *From Lectures on the Theory of Literature. Fable. Proverb. Saying. Lecture eighth*. Moscow: Russian literature: an anthology. P. 76. [In Russian].
- Roizenon L.I., Roizenon S.I. (1967). "Some considerations on the comparative study of phraseology (based on the stable comparative steady of

phrase in Eastern languages". *Questions of Phraseology and Grammatical Structure of the Language*. Tashkent, PP. 110 - 114. [In Russian].

- Ugoltsev V.M. (2001). *The Dictionary of stable Comparisons of the Russian Language (Sinonimo - Antonymy)*. Moscow: Astrel. [In Russian].
- Zolfaghari H. (1392). *A Great Dictionary of Persian Proverbs*. Tehran: Science. [In Persian].
- Zolfaghari H. (1394). "The typology of molded structures in the colloquial language". *Language Related Research*. Vol. 6. No. 4. Pp. 69-98. [In Persian].